



محمد حسین شیخ شعاعی

دعوت به زندگی عاقلانه

آدم‌هایی که در مقابل پیامبران می‌ایستادند و حرف حساب را نمی‌پذیرفتند، گاهی استدلال‌هایی می‌کردند که برای همه انسان‌های طالب حقیقت مایه تلنگر است! آن‌ها معتقد بودند چون پدر و مادر و اجدادشان چیزی را انتخاب کرده‌اند حتماً چیز خوبی بوده و نباید روی آن حرف دیگری زد. خداوند از آن‌ها می‌پرسد: شما می‌خواهید پا جای پای گذشتگان تان بگذارید حتی اگر آن‌ها از روی بی‌عقلی و نفهمی کاری کرده باشند؟ جالب است که مرام بسیاری از آدم‌ها هنوز هم همان گونه است و هنوز وقتی از خیلی‌ها درباره اعتقاداتشان و رسم و رسوماتی که برای زندگی‌شان درست کرده‌اند می‌پرسی رگ‌گردنشان می‌زند بیرون که: «از قدیم این طور بوده» یا «خیلی‌ها می‌کن» یا «حتماً درست است که همه به آن معتقدند» و... و در برابر این‌ها هنوز ندای خداوند بیخ گوش همه‌مان است که: فقط به این دلیل که خیلی‌ها یا اجداد و قدیمی‌ها یا دیگران این جوری بوده‌اند باید همین جوری بود؟ حتی اگر اشتباه می‌کرده‌اند؟ نمونه این گفت‌وگو را در آیه ۱۷۰ سوره مبارکه بقره می‌بینید. گفت‌وگویی که دقت در آن جلوه زیبایی از فرهنگ ناب و دست نخورده قرآن را روشن می‌کند. در این فرهنگ، همه چیز باید پایه و اساسی درست و منطقی داشته باشد. اعتقاداتمان و کارها و برنامه‌هایمان آن قدر که منطقی و عاقلانه است انسانی است.*

* انسانی که وجه تمایز از حیوان را در خود به کمال رسانده است

در چه مسیری زندگی‌ات را می‌گذرانی؟

بهره‌مند بودن از دنیا و امکانات گوناگون آن اصلاً چیز بدی نیست. هرکسی حق دارد دنیای خودش را آباد کند و از لذت‌های آن استفاده کند خصوصاً اگر دارایی‌های خود را صرف آخرت خودش بکند که دیگر از این بهتر نمی‌شود. اما این طور هم نیست که خدا به هرکس را که بیشتر خاطرش را بخواهد بیشتر بدهد. گذشته از روایاتی که به فقیران دنیا مژده داده‌اند خداوند به تلافی فقرشان در زندگی جاودانی پاداششان می‌دهد، آیاتی هم در قرآن هست که به ثروتمند شدن اهل کفر اشاره می‌کند مانند آیه ۱۲۶ سوره مبارکه بقره. خداوند می‌فرماید کسی که حق را می‌شناسد اما زیر پا می‌گذارد (کفر می‌ورزد) مدت کمی که در دنیا است از مال و اموال اینجا بهره‌مند می‌شود اما مهلتش که سربایید آخرتی دردناک انتظارش را می‌کشد. خوب می‌بینید که آن چه خدا به آن ارزش می‌دهد هیچ ربطی به کم و زیاد دارایی‌های مادی ندارد. تنها یک چیز است که مهم است و فقر و ثروت را خوب یا بد می‌سازد: این که تو در چه مسیری زندگی‌ات را می‌گذرانی، حق یا باطل؟

ما و عبادت‌های من درآورده‌ای

چرا برای عبادت خداوند باید از همین روش همیشگی استفاده کرد؟ مگر برای خدا فرق می‌کند که برای شکرگذاری و استفاده کردن از فایده‌های معنوی عبادت، نماز بخوانیم یا جور دیگری به یادش باشیم؟ اصلاً مگر اصل، دل آدم نیست؟ چرا همین که خدا را یاد کنیم کافی نیست؟ چرا نمی‌شود از روش‌های جدید آرامش گرفتن و تمرکز به جای اعمال دینی قدیمی استفاده کرد؟ این‌ها سوالات پیچیده‌ای نیست و جواب چندان پیچیده‌ای هم نمی‌خواهد. صاف و پوست‌کنده باید گفت: اگر قبول کرده‌ام خدایی هست که به او احتیاج دارم و می‌خواهم با او ارتباط داشته باشم باید بپذیرم همان خدا از همه شایسته‌تر است که به من یاد بدهد چگونه عبادتش کنم! وگرنه مراسم و آداهایی که انسان می‌تواند با عنوان عبادت و مراسم مذهبی از خودش در بیاورد معلوم نیست چقدر به دردش بخورد. خدایی که آدمیزاد را ساخته، خودش هم باید بهترین راه برقراری ارتباط را برایش معلوم کند. در آیه ۱۲۸ سوره مبارکه بقره حضرت ابراهیم از خدا درخواست می‌کند مناسک مذهبی را یادش بدهد. این قضیه فقط به چگونگی نماز و روزه مربوط نیست و همه رفتارهایی که یک‌جور عبادت به حساب می‌آیند دستورالعمل آن باید از جانب خداوند و توسط پیامبر و جانشینان دوازده‌گانه‌اش صادر شده باشد.

فقط
خداهای خیالی
عبادت‌های من درآورده‌ای
را می‌پذیرند